

بنیاد ایران شناسی به تازگی اولین شماره دوره جدید فصلنامه علمی «مطالعات ایران شناسی» را منتشر کرده است.

به گزارش میراث مکتوب، انتشار فصلنامه مطالعات ایران شناسی از پاییز ۱۳۹۴ آغاز شده بود که از این تاریخ تا تابستان ۲۱۰۱۴ شماره از نشریه، با هدف شناخت و معرفی تاریخ و فرهنگ غنی و فاخر جهان ایرانی، منتشر شد. به گفته مسئولان بنیاد ایران شناسی، جمعی از استادان دانشگاه ها و متخصصان در حوزه های مختلف ایران شناسی، اعم از فرهنگ و زبان های باستانی، باستان شناسی، تاریخ اسلام و ایران، هنر اسلامی و ایرانی، زبان و ادبیات فارسی و ارتباطات اجتماعی، در این نشریه فعالیت می کردند و در دوره جدید نیز فعالیت دارند.

این فصلنامه، در دوره جدید فعالیت علمی خود، با همکاری انجمن علمی ایران شناسی و با توجه به رسالت، وظایف و مأموریت بنیاد ایران شناسی، با انتشار مقاله های علمی محققان در حوزه های مطالعات ایران شناسی در صدد است به تعمیق شناخت از تطورات فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، ادبیات و هنر ایران، تبیین ابعاد گوناگون هویت ملی و دینی ایرانیان، و مستندنگاری تاریخی ادوار شکوفایی تمدن ایران بپردازد. بنیاد ایران شناسی گفته، با توجه به آغاز دوره جدید انتشار نشریه، از استادان دانشگاه ها، پژوهشگران و دانشجویان علاقه مند به حوزه های مطالعات ایران شناسی برای انتشار مقاله های علمی در موضوعات زیردست به همکاری می کند؛ مطالعه تاریخی، فرهنگی و تمدنی ایران در دوره های باستان، اسلامی و انقلاب اسلامی، تحقیق در زمینه پیشرفت فرهنگی، سیاسی و علمی ایران در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مطالعه جغرافیای سیاسی و طبیعی ایران، هنر ایران با رویکرد ارتباط آن با مطالعات ایران شناختی، ادبیات ایران با رویکرد ارتباط

آن با مطالعات ایران شناختی، مطالعه وضعیت ایران شناسی در ایران و جهان معاصر، و تحلیل انتقادی مطالعات ایران شناختی و تأثیر آن در ساخت هویت ایرانی-اسلامی.

طبق اعلام بنیاد ایران شناسی، نویسندگان مقالات می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی <https://is.iranolology.ir> مراجعه کنند.

درباره کتاب «تاریخ فرهنگی زشتی»، از تازه های نشر ماهی سیر و تحول زشتی در درک آدمیان و جوامع

گرچه هندرسون در کتاب «تاریخ فرهنگی زشتی» بر آن است که درک آدمیان از زشتی را در طول تاریخ و از طریق ردیابی نحوه جلوه‌گری زشتی و شیوه مواجهه با آن در وجه گوناگون فرهنگ و در دوره های مختلف تاریخی توضیح دهد؛ با همین هدف است که در اثر خود به ساحت های گوناگون فرهنگ، از نقاشی و هنرهای تجسمی گرفته تا ادبیات، سرگ می‌کشد و تابلوها و آثار هنری و ادبی را که به نحوی زشتی را در کانون توجه خود قرار داده اند می‌کاود و نمودار فرهنگی زشتی و رویکرد به آن را از دورترین اعصار تا دوران معاصر ترسیم می‌کند.

در کتاب «تاریخ فرهنگی زشتی»، از زشتی به مثابه برساخته ای فرهنگی سخن می‌رود و تحول نگاه به زشتی (از منفی به مثبت) در طول تاریخ ترسیم می‌شود. نویسنده مفهوم زشتی را به مثابه امری متغیر در فرهنگ های مختلف و در طول تاریخ، بررسی می‌کند، او، در این کتاب، ضمن تبارشناسی زشتی، نشان می‌دهد که این امر چگونه در زمانه ما از امری منفی به امری مثبت تحول پیدا کرده است و چگونه این بار زیبایی است که در جایگاه متهم می‌نشیند. در این کتاب، از زشتی نه به عنوان مفهومی همیشه در نقطه مقابل زیبایی، بلکه به عنوان مفهومی سخن رفته است که می‌تواند همان زیبایی هم معنا بدهد، اگر از دریچه فرهنگی به زیبایی بنگریم که تعریفش از زیبایی چیزی است که در فرهنگی دیگر زشت تلقی می‌شود. جین خواندن کتاب «تاریخ فرهنگی زشتی»، از منظر زشتی به تماشای فرهنگ و دستاوردهای فرهنگی بشر می‌نشینیم و در مفهوم زشتی و آنچه در طول تاریخ درباره آن گفته شده است تأمل می‌کنیم.

درباره نویسنده

گرچن ای. هندرسون (Gretchen E. Henderson) پژوهشگر و نویسنده آمریکایی است. پژوهش های او در نقطه تلاقی ادبیات، تاریخ هنر، مطالعات موزه، مطالعات معلولیت و موسیقی قرار دارند. هندرسون، علاوه بر پژوهش، در داستان نویسی هم دستی دارد و در حوزه نویسندگی محیط زیست هم فعالیت کرده است.

درباره مترجم

حسن افشار که متولد ۱۳۲۲ است در حوزه های تاریخ، ادبیات، فلسفه، علوم سیاسی و هنر ترجمه می‌کند. از ترجمه های او می‌توان به کتاب های «صلحی که همه صلح ها را بر باد داد»، «فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری خاورمیانه معاصر»، «جنگ صلیبی اول: فراخوان از شرق»، «اختناق ایران»، «سقیفینو»، «ایرونی»، «سیاست ورزی در ایران عصر صفوی: قدرت، دیانت، بلاغت»، «شب بی پایان»، «سلام اول: تاریخ انقلاب آمریکا» و «جنگ های ایران و یونان» اشاره کرد.

«تاریخ فرهنگی زشتی»، نوشته گرچن هندرسون، ترجمه حسن افشار نشر ماهی، ۲۷۲ صفحه، ۲۳ هزار تومان. (منبع: نیویک)

زین قنبر

علیرضا حیدری مدرس ویراستاری

- ناوبراسته
- سیر نزولی قیمت این کالا رو به افزایش است.
- ویراسته
- سیر نزولی قیمت این کالا سرعت بیشتری گرفته است.
- نکته

۱. چطور ممکن است سیر نزولی رو به افزایش باشد؟!
 ۲. در استفاده به جا، واژه ها دقت کنیم.

#زین-قنبرپاری



زبان پارسی از آن زبان هایی است که مانند دینه های فرعون یا آثار هخامنشی بخش بیشتری آن هنوز در زیر خاک پنهان است. برخی از آن مکشوف و بهی نیمه مکشوف، قسمتی ضایع شده،



و پاره ای در ژرفای خاک زمین، سالم و زبیا، باقی است که بایستی از روی تخصص و علم آن ها را بیرون آورد و گردو خاک فراموشی و نابودگی را از رخسار آن ها زدود و هرگاه از روی بی علمی نخواهند آن ها را بیرون آوردند

نذر ابراهیم(ع)، به روایت تفسیرهای کهن فارسی

«تن و جان او فدای فرمان خدا باد!»



«زمن بزرگ»، مصوود فرشچیان

علی باقریان



از آیه ۱۰۰ سوره «صافات»، است که ماجرای ابراهیم و اسماعیل آغاز می‌شود. آیه ۱۰۲ این سوره هم، چنان‌که میبیدی نوشته است، «ابتدای قصه ذبیح است. قصه‌ای عظیم». از دیرباز مفسران قرآن، اینجا که رسیده‌اند، چون میدان‌افراخ دیده‌اند. داستان را آن‌چنان‌که می‌خواسته‌اند نمی‌دانسته‌اند بازگفته‌اند. آنچه اینک می‌خوانید فشرده‌ای است از این ماجرای هیجان‌انگیز که از تلفیق پنج تفسیر کهن حاصل شده است. به ترتیب «ترجمه تفسیر طبری» (گروهی از علمای فرارود، نیمه دوم سده ۴ هجری قمری)، «تفسیر سوری‌آبادی» (ابوبکر عتیق نیشابوری، نیمه دوم سده ۵ هجری قمری)، «کشف الأسرار و عذة الأبرار» (احمد میبیدی، ۵۲۰ هجری قمری)، «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن» (ابوالفتح رازی، نیمه نخست سده ۶ هجری قمری)، «تفسیر بصائر یمینی» (معین الدین نیشابوری، نیمه نخست سده ۶ هجری قمری).

ضایع خواهد شد و زیانش از سود بیشتر خواهد بود.

محمد تقی بهار
 مقاله «تعلیم زبان فارسی و کتاب هایی که لازم داریم»

حدیث قربان

و حدیث این قربان چنان بود که ابراهیم - علیه السلام - با خدای عزّ و جلّ - نذر کرده بود که «اگر مرا پسری آید، او را از بهر خدای - عز و جلّ - به قربان کنم.» و پس ابراهیم را اسماعیل آمد و



ده ساله گشت و اسحاق آمد و پنج ساله گشت و، چون پسران بزرگ گشته بودند، ایزد - تعالی - آن نذر ابراهیم که کرده بود و از یاد برفته بر او یاد کرد و گفت که «نذر خویش را وفا کن!» [...] پس، چون ابراهیم - علیه السلام - به خواب دید که پسر را قربان باید کردن، دل بر آن نهاد، و علماً اندر این اختلاف کرده‌اند که آن کدام پسر بود. گروهی گفتند اسحاق بود - علیه السلام - (او همه بنی اسرائیل و عجم بر این قول اند، از بهر آنکه ایشان فرزندان اسحاق اند) و گروهی گفته‌اند نه، که اسماعیل بود (و همه عرب بر این قول اند، از بهر آنکه ایشان فرزندان اسماعیل اند).

برساختن اسماعیل

چون ابراهیم - علیه السلام - آن خواب دید، دیگر روز مادر اسماعیل را گفت که «او را بر سزا، که من او را مهمان دوست خویش خواهم برد.» هاجر او را غسل داد و جامه نو درپوشانید و



موی او را به شانه کرد و سرمه درکشید و از پس ابراهیم فراکرد. ابلیس بیامد و هاجر را گفت: «ای نادان! پسر تو را می‌برد تا بکشد!» وی گفت: «ابراهیم نه آن پدر است که پسر خویش را بکشد.» ابلیس گفت: «وی می‌گوید که خدای فرموده است.» وی گفت: «گر فرمان خداست، تن و جان او فدای فرمان خدا باد!» ابلیس از وی نومید بازگشت؛ از پس اسماعیل بدوید. وی را گفت: «ای نادان! پدر تو را به کشتن می‌برد!» وی گفت: «پدر من از آن مهربان تر است که چنین کند.» وی دعوی می‌کند که خدا فرموده است.» وی گفت: «هزار جان من فدای فرمان خدای من باد!» آن ملعون، نومید، بازگشت.

شیطان و ابراهیم

فرا پیش ابراهیم شد. گفت: «ایها الشیخ! کجا می‌روی؟» گفت: «مرا حاجتی است در این شعب، حاجت خویش را می‌روم.» گفت: «والله که شیطان در خواب به تو نموده که این فرزند را قربان



کن!» ابراهیم بدانست که او، خود، شیطان است. گفت: «ایک عنی یا عذو الله فوالله لامضین لأمّ ربی.» [= «ای دشمن خدا! از من دور شو! به خدا که از فرمان پروردگار خویش سر نمی‌پیچم.»] [...] آن ساعت از پیش شیطان تیز برفت و گرم، تا بر او سابق شد، چون به جمره العقبه رسید، شیطان دیگر باره فرا پیش وی آمد. ابراهیم هفت سنگ به وی انداخت، و همچنین، در جمره الوسطی و جمره الکبری، شیطان فرایش می‌آمد و ابراهیم بر وی سنگ‌های انداخت. رب العالمین آن تیز رفتن ابراهیم در آن موضع و آن سنگ انداختن سنتی گردانید بر امت احمد تا در مناسک حج به جای می‌آیند و ابراهیم را ثنا می‌گویند.

شدت مرگ

چون به مقصد رسیدند، ابراهیم خواب با اسماعیل گفت. اسماعیل - عزازة و کرامة - آن‌که گفت پدر را: «به این رسن پای من ببند، استوار، تا اضطراب نکنم، تا فرمان خدای



- تعالی - به واجبی به جای آری، و جامه از من در هم کش، تا خون من بر جامه تو نشود که تو را بیاید سستن یا مادر ببیند، رنجور دل شود، و این پیراهن خود در من پوش. تا در بوی تو جان بدهم و بر من آسان آید، و کارد بر گلوئی من سبک پران، تا مرگ بر من آسان شود، که شدت مرگ عظیم است، و، اگر نتوانی کردن، یک امشب در این صحرا توقف کن و با پیش مادرم مرو، تا باشد مرا پاره ای فراموش کند، که هر چه بد روز برگذشت کهن گشت، و، چون با نزدیک مادرم شوی، او را از من سلام کنی، و این پیراهن من بر او بری، تا به یادگار من می‌دارد.» ابراهیم - علیه السلام - گفت: «هم چنین کنم.»

فرمان برداری و وفاداری

اسماعیل - علیه السلام - گفت: «پیشانی من بر خاک نهد، تا بدانچه در روی من نگری تو را رفتی نیاید که در عزیمت تو بدان سبب ترددی پدید آید و سبب کم شدن ثواب تو باشد.» پس ابراهیم او را بر روی



خوابانید و کارد تیز کرد و از زیر حلق او درآورد و خواست که برآند. گویند، هر چند که روی کارد بر حلق او می‌نهاد، برمی‌گشت و پشت کارد بر حلق او می‌آمد. [...] ایزد - تعالی - به زبان فریشتگان مقرب آواز داد که «ای ابراهیم! پس باشد آنچه کردی! به درستی و راستی که راست کردی خوابی را که دیده بودی [...]». هم چنان که پاس فرمان ما داشتی [...]. ما نیز هم چنین نیکوکاران را [...] پاداش دهیم و امید ایشان را از کرم خود به وفا رسانیم. [...] و ما فدا دادیم از اسماعیل گُشتی بزرگ [...] تا او را بدل اسماعیل خود قربان کنی و از عهده آنچه تو را فرموده بودیم بیرون آیی.»

دلادر سز عشق از سر میندیش
 بده جان و ز جان دیگر میندیش
 ...
 چو سر در باختی بشناختی سر
 چو سر بشناختی از سر میندیش
 همه بت ها چو ابراهیم بشکن



درباره ادبیات الکترونیک از منظر انسان و ابزار هایش



پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی
 عاطفه غیوری

مانند کاترین هایلز این چنین درگیر ابزارشناسی یا شاید از نخستین پژوهش های ادبی تاکنون، همواره محققان بر جنبه فرمی محتوایی آثار ادبی تأکید داشته‌اند و مجموع آنچه دانش ادبی نامیده می‌شود حول قابلیت فرمی - محتوایی ادبیات شکل گرفته است؛ در واقع، کمتر به ابزارهایی که ادبیات به واسطه آن‌ها به اجرا درمی‌آمده توجه نشان داده‌اند. ادبیات، علاوه بر یک قابلیت فرمی - محتوایی، یک مادیت اجرایی نیز هست. از منظر مادیت اجرایی، ادبیات الکترونیک در مقابل ادبیات شفاهی و مکتوب قرار دارد. این تقسیم‌بندی به اعتبار ابزار و دستگاهی است که ادبیات در آن اجرایی می‌شود. از منظر کلان‌تر این مادیت اجرایی است که زمینه این تقسیم‌بندی را فراهم آورده است. اما از آنجاکه دستگاه مهم‌ترین مؤلفه مادیت اجرایی است، تقسیم‌بندی را با توجه به دستگاه‌ها انجام می‌دهند. ادبیات الکترونیک، برخلاف ادبیات مکتوب، در دستگاه های رایانشی و از فناوری های رایانشی

به طرز معکوسی خود را صرفاً کنترل پذیر - و نه کنترل‌گر - نشان می‌دهند. کاترین هایلز در کتاب «ادبیات الکترونیک»، ادعا می‌دارد با ظهور تکنولوژی های رایانشی توهم کنترل ما بر ابزارها بیش از هر زمان دیگر است. هایلز تصریح می‌کند ما فقط زمانی از این توهم خارج می‌شویم که دستگاه فناوریانه ما با همکاری نکند، برای مثال، موس راتکان دهیم، اما نشانگر تکان نخورد. آن زمان است که از توهم فعال بودن محض خود و انفعال محض ابزار خارج می‌شویم. هایلز درباره تأثیر متقابل ابزار بر انسان در کتاب دیگر خود با نام «مادر من یک کامپیوتر بود» بیان می‌کند: «همان طوری که ما ابزارهایمان را تعیین می‌کنیم، ابزارها نیز وضعیت ما را تعیین می‌کنند.» اما چرا باید یک پژوهشگر ادبیات

«تکنوژایی» (technogenesis) اصطلاحی است که کاترین هایلز، نظریه پرداز برجسته ادبیات الکترونیک، آن را وضع کرده است. تکنوژایی به هم زیستی و هم تکاملی انسان و ماشین اشاره دارد. طبق نظر انسان‌شناسان، این عقیده که صرفاً این انسان‌ها هستند که به ابزارهایشان شکل می‌دهند درست نیست. طبق تحقیقات اخیر آن‌ها، ابزارها نیز در تکامل مغز و بدن انسان نقش پررنگی ایفا کرده‌اند. تا اینجا که تکامل زبان را در نتیجه تکامل ابزارهای انسان‌های اولیه می‌دانند. آن‌ها معتقدند زبان زمانی در انسان رشد کرد و شکل‌آرزنده اش را گرفت که ابزارهای ساده شکلی ترکیبی یافتند و دارای پیچیدگی شدند. در عصر مدرن، اگرچه ابزارها نقش پررنگ‌تری در شکل‌دهی به زندگی انسان ایفا می‌کنند، اما



برای نمایش خود بهره می‌جوید. اگرچه ادبیات مکتوب هم می‌تواند از ابزارهای الکترونیک برای نشر و نمایش خود استفاده کند، اما تفاوت در این است که ادبیات الکترونیک ذاتاً زاده دیجیتال است، یعنی لزوماً در دستگاه دیجیتال متولد و منتشر می‌شود و خارج از کدها سپهری ندارد، اگرچه در خلأ به وجود نیامده و در امتداد سنت های هنری و ادبی قرن بیستم اروپا - نظیر دادائیسم، سوررئالیسم و فوتوریسم - شکل گرفته است. ابزارهای رایانشی به این نوع ادبیات امکاناتی بخشیده که نظریه پردازانی چون اسکات تریگر آن امکانات را بدثال های ذهنی هنرمندان آثار ادبی مکتوب قرن بیستم می‌دانند؛ برای مثال، ترسنگ معتقد است شعر الگوریتمی به شکلی محدودتر پیش‌تر توسط سوررئالیست‌ها تجربه شده بود. خلاصه آنکه توجه به مادیت اجرایی - در کنار قابلیت های فرمی - محتوایی - موضوع پژوهشی نظریه‌وری است که توجه به ابزارها در اختیار ادبیات شناس قرار داده است.